

«غایی - ابزاری» اثبات می‌شود. ثانیاً، اگر سیاست به منزلهٔ عبد است و شریعت به منزلهٔ مولا، پس عبد خادم است و تابع. ثالثاً، اگر شریعت بسان روحی ثابت و غایت است، سیاست به منزلهٔ پیکری متغیر است و ابزار و زمینه‌ساز.

گزارشگر: محمدباقر محمدی‌منور

عقل یا وحی کدام معتبر است؟

علی‌افضلی، حمیدرضا آیت‌اللهی و رضا برنجکار

ایران، ش ۲۲۰۳، ۱۶/۲/۱۳۸۸

این گفت‌وگو با عنوان «جایگاه عقل و نقل در معارف اعتقادی» است که آقایان افضلی، آیت‌اللهی و برنجکار به اظهار نظر در این مورد پرداخته‌اند.

به نظر آقای افضلی وحی در مسائل نظری، هم به مثابه منبع معرفتی، هم قابل فهم می‌باشد. به گونه‌ای که می‌توان آموزه‌های معرفتی را از آن استخراج نمود و نظریات مختلف معرفتی را جهت سنجش به آن عرضه داشت. و این نیز نه صرفاً به نحو استشهادی که با مراجعه مستقیم به خود آیات و روایات در نظام وحی، می‌توان مسئله مورد نظر را تبیین و پاسخش را دریافت نمود.

آقای برنجکار که سخنران دیگر این نشست بود، اظهار داشت که در مسئله فوق‌الذکر سه دیدگاه وجود دارد:

۱. این دیدگاه معتقد است که عقل تنها منبع معتبر در ارائه نظام معرفتی است؛
۲. دیدگاهی که قایل به تعطیلی عقل است و وحی را تنها منبع معرفتی می‌داند؛
۳. دیدگاهی که هم عقل و هم وحی را در بررسی مسائل اعتقادی دخیل می‌داند با این ویژگی برای کارکرد هر کدام از آن دو، حد و مرزی قایل است و معتقد است عقل تا مرحله‌ای پیش می‌رود و از آن پس پی‌گیری مسئله را به وحی می‌سپارد. به نظر وی این مرزبندی مهم‌ترین اشکال این نظریه می‌باشد، و به همین خاطر خود وی به تعامل عقل و وحی در تمام زمینه‌ها قایل است، بدون اینکه برای هر کدام مرز مشخصی را در نظر بگیرد و از این تعامل است که معارف صحیح اعتقادی متولد می‌شود.

در ادامه آقای آیت‌اللهی دیدگاه خود را در موضوع یاد شده چنین اظهار کرد که مراد از عقل در این بحث عقل فلسفی، یا عقل ریاضی دکارتی که همه چیز را با اثبات قطعی و به دور از خطا می‌رساند نیست، همان‌گونه که عقل برهانی که از مقدمات یقینی و ضروری به نتیجه یقینی دست می‌یابد، نیز نمی‌باشد. بلکه مراد از مسائل عقلی، آن مسائلی است که هر گاه فرد متعارف با آنها مواجه می‌شود، می‌شود قبول کند. بنابراین هر چند برای مسائل اعتقادی و غیر آن استدلال عقلی به معنای فلسفی آن مطالبه نمی‌کنیم، اما صفت «عقلانی» در سطح

بازتاب اندیشه ۱۰۶۱۱۴

۲۰۸

گزارش‌ها

دیگری بر آنها صادق است. بدین سان با فروکاستن توقعات از عقل، جا برای داد و ستد دوجانبه با نقل باز می شود. بدین ترتیب تصویری عام و متعارف از عقل ترسیم می کند که هم خطاپذیری دارد و هم دارای کمبودهایی است و از برخی امور ادراک ندارد. به نظر ایشان عقل و نقل در تدوین معارف اعتقادی کارکردهای متقابلی دارند که در جهات گوناگونی همدیگر را یاری می کنند. از جمله نیازهایی که عقل به نقل دارد این است که:

۱. عقل در تبیین مسائل تفصیلی به نقل نیازمند می باشد و این نیازمندی نیز به حکم خود عقل است. به عنوان مثال عقل حکم می کند که انسان را خدایی باید، تا به او دل بستگی داشته و ستایشش نماید، اما اینکه این خدا چگونه موجودی است و چه صفاتی دارد و... تفصیلاً از نقل استخراج می شود.

۲. در مسائلی که عقل راهی نتوانسته بگشاید و چیرگی نمی داند، نقل، عقل را در چنین مسائلی به تأمل و کاوش فرامی خواند و توجه آن را برمی انگیزد.

۳. نقل، برخی واقعیت های مجهول برای عقل را بیان می کند مانند برخی از مسائل خاص معاد.

۴. نقل، برخی محورهای اصلی برای جهت عقل را نشان می دهد.

از طرف دیگر عقل نیز در قبال نقل کارکردهای خاصی دارد از قبیل:

۱. کارکرد لغوی و معناشناختی و اینکه کلام وحی چه دلالت یا دلالت هایی دارد.

۲. کارکرد زبان شناختی، مثلاً بیان رابطه معنا و مصداق در کلام وحی و...

۳. کارکرد هرمنوتیکی و اینکه چه اموری در فهم وحی و تفسیر وحی دخالت می کند.

۴. اجتهاد به معنای مقابل عقل و نقل جهت فهمیدن واقعیت احکام، روزآورسازی نقل و...

مؤلف: محمد تقی مصباحی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

انگیزه و روش های ایجاد آن در مدیریت با رویکرد دینی

علی اکبر بخشی

معرفه: ش ۱۳۷، اردیبهشت ۱۳۸۸



در مدیریت رفتار سازمانی و منابع انسانی، ایجاد انگیزه به دلیل نقش بی بدیل خود، در برابر سایر عوامل و وظایف جایگاه ویژه ای دارد. از این رو، صاحب نظران از گذشته تاکنون با رویکردهای متفاوت و در سیری تکاملی به شناسایی عوامل شکل دهنده رفتار، به ویژه انگیزه های درونی و نیز فرآیند انگیزش افراد و چگونگی ایجاد انگیزه پرداخته اند، اما به دلیل ضعف در نگرش انسان شناسانه خود و عدم توجه جامع به انگیزه های انسان و تفاوت نیازهای افراد گوناگون و تغییر در برخی نیازها با گذشت زمان، هر یک به جنبه های خاصی از موضوع پرداخته اند. در نگرش اسلامی، خلأ اساسی در نظریه های ارائه شده، عدم توجه لازم به انگیزه های معنوی و بی نهایت انسان در فرآیند تکاملی فردی و اجتماعی اش، به ویژه